استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

میرعبدالواحد سادات(راه پرچم)- حمید انوری سه شنبه ۱۰ نوامبر ۲۰۲۶

(یادواره ای در گرامیداشت از شخصیت علمی وفرهنگی فقید جاوید نام زنده یاد رفیق کریم شادان)

رئیس دادگاه(محکمه) انقلابی و رئیس دادگاه عالی (ستره محکمه) افغانستان



این یادواره در گرامی داشت از شخصیت معروف کشور تدوین یافته که بخش اعظم شهرتش معطوف به بعد حقوقی شخصیت او و اشتغال وی به مسلک قضا است." نه جناب سادات، بخش اعظم شهرت وی، معطوف به احکام متواتر و ختم ناپذیر اعدام ها است که هموطنان شریف ما را راهی کشتارگاه ها می نمود."

حقوقدان شهیر، دولتمرد با وقار، قاضی سابقه دار و آخرین قاضی القضات دولت جمهوریت دوم " منظور از جمهوریت دوم، زمان تجاوز روس ها بر کشور ما است که جناب سادات با ترفند تهوع آور خود، آنرا جمهوریت دوم نام داده است"، نام آشنا در مقیاس کشور، و تا اندازه یی درمنطقه و جهان است. درین نبشته افزون بر ین موارد، خواننده عزیز، شاید برای اولین بار با گوشه های دیگر این شخصیت فرهیخته آشنا میشوند، کسیکه از خورد سالی با ادب و ادبیات آشنا میشود و در عنفوان جوانی با دنیایی شعر و شاعری انس پیدا مینماید، شعر میسراید، تصنیف میسازرد و با جهان ملکوتی

موسیقی دل میبندد و با سحر و رمز موسیقی آشنا و خود موزیک مینواخت.(تمام الات موسیقی را می نواخت یا یک دو آلهٔ موسیقی را؟!)

کسانیکه بیشتر از نیم قرن عمر دارند، بخوبی بیاد(به یاد) خواهند آورد که روزگاری خواندن، محترم استاد آرمان: «نمیشه، نمیشه، نمیشه ...» بسیار گل کرده بود و شهرت داشت، اما کمتر کسی شاید شاعراین پارچه یی(ای) زیبا را بشناسد، شاعری که عاشقانه با موسیقی حشر و نشر داشت وهنر وهنرمند را گرامی میداشت و حمایت مینمود، شخصیت چندبعدی و محترم، علمی، فرهنگی واهل خرابات بود که عاشقانه وطن اش را دوست میداشت(درست مثل خانوادهٔ میر عبدالواحد سادات) وصادقانه در راه همین عشق، سرش را فدا ساخت (او سر خود را فدا نساخت، بلکه در محلی که زبوانه پنهان گردیده بود، توسط مردم افشاد گردیده و به سزای جنایات و خیانت های خود رسید.) و ما بخاطر همین صدق و وفایش این یادواره را در گرامیداشت از شخصیت نیک وستودنی شان، تقدیم میداریم و فرزند وفادار وطن زنده یاد عبدالکریم شادان را تکریم می نماییم(بگذار رفقای پرچمی و خائن، او را تکریم کنند، مگر کافه ملت با شهامت افغان او را نفرین میکنند.) و کای او را به معرفی میگیریم:

عبدالکریم شادان در سال (۱۳۱۶ هجری ـ شمسی) در کوچه پرانچه شهر کابل در یک فامیل روشنفکر دیده بجهان گشود، پدرش مرحوم غلام جیلانی رییس(رئیس) تحریرات صدارت وقت بود. در لیسه عالی حبیبیه، فاکولته حقوق پوهنتون کابل و یونورسیتی های آکسفورد انگلستان و دنور امریکا تا سطح عالی ماستری و کاندید پی اچ دی تحصیل کرد. وی غرض ارتقای دانش مسلکی در عرصه های مختلف علم حقوق در کشورهای امریکا، انگلستان، اتحادشوروی وقت، جاپان، ایران، اندونیزیا، هند، بنگله دیش، یوگوسلاویا، سویدن، سویس، بلغاریا وآلمان، کسب تجارب نمود و عضویت هیات افغانی را درچهل وسومین اجلاس حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژینو وکنفرانس جهانی انجمن های حقوقدانان دموکرات را داشت.(و اینهمه در زمان سلطنت در افغانستان صورت پذیرفت، اما آن ناانسان و افغان دشمن و خبیث و حق ناشناس و خائن، نمک را خورد و خوب هم خورد و در نمکدان...)

زنده یاد شادان عضو دارالانشای لویه جرگه (۱۳۴۳ هجری ـ شمسی) قانون اساسی و عضو لویه جرگه های (۱۳۶۳، ۱۳۶۶، و ۱۳۶۹ هجری ــ شمسی) را داشت و در کار کمیسیون تدوین قانون اساسی و تعدیل آن (در جمهوریت دوم)(منظور سادات از جمهوریت دوم همانا کودتای خونین ثور

است)، و کمیسیونهای تدقیق قوانین جزا و اجراآت جزایی (در جمهوریت اول) فعالانه اشتراک و در کار تدوین بسیاری از قوانین فرعی سهیم بود.

(اما او بازهم نمک خورد و در نمکدان...)

شادان مرحوم بمثابه یک شخصیت علمی و مجرب در مراکز و موسسات تحصیلات عالی، لکچر ها ارائه وسمت استاد را در مرکز ستاژ قضایی وانستیتوت علوم اجتماعی را دارا بود.

(اما بازهم نمک خورد و در نمکدان...)

محترم سخی صمیم عضو اسبق شورایعالی ستره محکمه وحقوقدان برجسته و عضوهیات رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا، آن سالها را چنین بخاطر میآورد: (پرچمی های زیردارگریختگی همدیگر را خوب به یاد می آورند)« شادان فقید قاضی نامدار وشخصیت فراموش نا شدنی در سال (۱۳۵۴ خورشیدی) یکی از استادان برجسته در زمرۀ دیگرنخبگان قضایی وقت در قصر دارالامان به بر گزیدگان کدر ستاژقضایی، قانون تدریس مینمود، من افتخار بهره گیری از فضل و دانش او را داشتم، نامبرده از همان آوان تدریس تا نهایت و انجام ستاژ کدرقضایی به ایجاز به «سلامت تطبیق قانون وعدالت قضایی تآکید میورزید و پاکی وصداقت را یگانه راه خدمت بمردم وعدالت میشمرد.»

(آنچه در بعد از کودتای شوم هفتم ثور، همه را به فراموشی سپرده و در تاق بالا گذاشت)، در حقیقت مرد بزرگ میخواست همنا تارو پود عدالت بود، که اصل ماندگار میباشد.

بعد از آنکه مرحوم شادان قاضی القضات مملکت گردید، بر مصداق همان اصولی که به ما تدریس مینمود، خود بر شاخص خدمت، صداقت، پاکی عدالت نسبی و اعتلای قوه یی(قوۀ) قضایی کشور، منحیث نمونه والگو قرار گرفت ونامش را در فهرست شایسته ترین قضات مملکت ثبت کرد، که روحش را شاد ونام نیکش را جاودان میخواهم.» (خوش خدمتی به رفقای پرچمی هم حد و حدودی دارد، اما میر عبدالواحد سادات، کجا و شناختن و درک کردن حد و حدود کجا .سخی صمیم نیز یکی از همان چاپلوسان پرچمی بود.)

زنده یاد شادان با استاد بزرگوار خود جناب پوهاند داکتر غلام سخی مصئوون(هردو از رفقای شباروزی ببرک غدار بودند) در کار ایجاد انجمن حقوقدانان افغانستان سهم گرفت و همکار دایمی آن بود. (انجمنی که در یخ نوشته شد و در آفتاب گذاشته و فقط و فقط در اطاق های خواب شان وجود خواهد داشت و دگر هیچ.)

شادان مرحوم از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۷۱ هجری ــ شمسی که به شهادت رسید(مردار شد، آنان و شما نیز جناب سادات، به شهادت کجا باور دارید که حالا اکت مسلمان بودن میکنید؟)، با کمال صداقت، ایمانداری وپاکی از عضو مدیریت در وزارت های خارجه وعدلیه، مدیریت، رییس(رئیس) ذاتیه وتدقیق ومطالعات ستره محکمه، مشاور حقوقی قضا، ریاست محاکم اختصاصی پولیس و در راس قوه یی قضاییه و بحیث قاضی القضات کشورمصدر خدمات شایسته بوطن و مردم گردید و...

(کشتن و بستن و حکم اعدام صادر کردن ها، از نظر"سادات"، خدمات شایسته بوده است.)

....

شادان فقید انسانی بود آگاه ونستوه که بخاطر عدالت به نفع محرومان ومظلومان جامعه نه از کسی تبعیت میکرد ونه به کسی مجال مداخله میداد.(او فقط از اربابان اشغالگر و متجاوز روسی خود فرمان میگرفت و در اجرای فرامین آن ددمنشان تاریخ بشریت، شب و روز و هفته و چهارشنبه را نمی شناخت و...)

با دریغ ودرد و تآسف فراوان که دژخمیان تاریک اندیش و سیه دلان کور دل وجلادان مرتجع قلب آگنده از مهر وگداخته از آتش عشق به مردم او را، به دستور باداران شان از تپش باز ماندند تا خوان یغمای چپاولگران، قاچاقچیان وفسادگستران داخلی وخارجی سهل تر وطولانی تر حراست کنند. روان این فرهیخته مرد خرد ورز وشیفته پیشرفت وترقی کشور شاد باشد. » (در این قسمت به قلم فرسائی های بی مفهوم و تهوع آور "سادات" متذکره در مورد یک پرچمی دیگر شرف باخته و وجدان مرده، توجه فرمائید و قضاوت بر هموطنان شریف ما که خود سرخ را از سیه و خدمت را از خیانت تفریق فرمایند.)

* * *